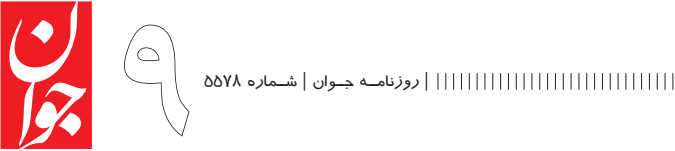




گزارشی

زهرا چگذری



کشف حجاب زنان به عنوان بخشی از فرآیند مدرن‌سازی ایران تنها به‌اصطلاح دستاوردی است که تاریخ برای حوزه زنان در کارنامه پهلوی اول ثبت کرده است. اگر سری به متون تاریخی بزنید و حضور و مشارکت زنان در برهه‌های گوناگون و بزرگه‌ها را مورد واکاوی قرار دهید با حضور و مشارکت برنگ‌تر زنان مواجه خواهید شد اما در واقعه کشف حجاب زنان ایرانی که همگی مؤمن و معتقد به اصول و پایبند به ارزش‌های اسلامی بودند ناگزیر شدند در انتخاب میان حجاب و مشارکت‌های اجتماعی گزینه نخست را برگزینند و این مسئله موجب شد بسیاری از زنان از تحصیل، مشارکت‌های اجتماعی و پیشرفت‌های فرهنگی و اقتصادی جا بمانند. دوره پهلوی اما تغییرات فرهنگی اجتماعی به شکلی نرم‌تر از پهلوی اول ادامه یافت. محمدرضا پهلوی نه با باتوم که با تلویزیون و سینما و راه‌اندازی دیسکو و کازینو به شکلی نرم و خزنده کوشید تا سبک زندگی مردم کشورمان را غربی‌سازی کند و با این شیوه تازه تا حدودی توانست موفق عمل کند.

با تمام اینها حاکمیت فضای دینی بر جامعه ایران و فضای غیر مذهبی نامن و گاه غیراخلاقی در دوران پهلوی دوم مانعی جدی بر سر راه حضور و مشارکت زنان در عرصه‌های گوناگون اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی بود. فعالیت زنان در حوزه‌های فرهنگ و هنر به معنای ذوب شدن آنها در فضایی لایالی بود و سینمای ایران از ژانر سینمایی فیلمفارسی به گونه‌ای بود که هیچ‌گاه هیچ دختری از یک خانواده متشخص و مذهبی نمی‌توانست به این عرصه ورود کند و استعدادهایش را به منصفه ظهور برساند. اوضاع حاکم بر جامعه و تضادهامیان فضای ارزشی مردم و فضای ارزشی حکومت به گونه‌ای بود که اغلب خانواده‌ها حتی برای ادامه تحصیل دخترانشان در دانشگاه‌انگران بودند و نمی‌توانستند به فضاهای دانشگاهی اعتماد کنند. این مسئله مانعی جدی بر سر راه ارتقای جایگاه اجتماعی زنان محسوب می‌شد. با این همه شاه برای رسیدن به تجدد ناگزیر بود تا شکل فرمایشی هم که شده مشارکت زنان را در جامعه رقم بزند.

نقش زنان جامعه ایرانی در دوره پهلوی دوم را می‌توان طی دو مقطع زمانی بررسی کرد: مقطع زمانی نخست از زمان برکناری رضاشاه آغاز و تا سقوط دولت ملی مصدق به طول می‌انجامد. در این دوران با توجه به خلأقدرت و فضای سیاسی حاکم بر جامعه ایران، گروه‌های زنان تجدیدحیاتی هر چند محدود را تجربه می‌کنند اما در مقطع زمانی دوم که از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ آغاز شده و تا پیروزی انقلاب اسلامی امتداد می‌یابد، پهلوی دوم که در پی استحکام پایه‌های قدرت و سلطنت خود است، ضمن نابودی و سرکوب مخالفان، به متمرکزسازی فعالیت زنان می‌پردازد اما به‌رغم تمامی اقدامات محمدرضا شاه در دولتی ساختن فعالیت‌های زنان، شاهد مشارکت فعال آنها در به ثمر رساندن و پیروزی انقلاب اسلامی به ویژه در سال‌های پایانی این دوره هستیم. در سال ۱۳۳۸ «شورای عالی جمعیت‌های زنان» زیر نظر اشرف پهلوی با عضویت ۱۷ سازمان مختلف زنان پدید آمد اما به‌رغم فعالیت‌های این شورا به ویژه تلاش آن در آمادسازی فضای سیاسی برای پذیرش حق رأی برای زنان، این سازمان نتوانست تمرکز و وحدت عمل را در بین اعضای خود به وجود آورد و نهایتاً به دلیل کم‌تحرکی منحل شد و به جای آن سازمان وسیع‌تر و منسجم‌تر «زان ایران» به دستور اشرف در سال ۱۳۴۵ موجودیت یافت و طی دهه بعد بسیار گسترده شد. تشکیلات درباری زنان در دوران پهلوی هم می‌توانست نمایشی از مشارکت زنان را در راستای پروژه تجدد محمدرضا شاه به نمایش بگذارد و هم خواسته‌ها و فعالیت‌های زنان را در محدوده خواسته‌ها و انتظارات حکومت مدیریت کند اما ماجرا آن طور که شاه دلش می‌خواست پیش نرفت و در کنار تشکیلات درباری زنان، حرکت‌های خودجوش مردمی زنان در دوران انقلاب را شاهد بودیم.به گونه‌ای که زنان در کنار مردان و گاهی جلوتر از آنان در خط مقدم مبارزه باسیاست‌های پهلوی قرار گرفتند. بی شک نقش زنان در به ثمر رسیدن انقلاب اگر از نقش مردان برنگ‌تر نباشد کم‌رنگ‌تر نیست. انقلابی که به زنان تفصیح داد و موجب شد این بار زنان جامعه ایرانی با حفظ حجاب و در نتیجه آرامش و امنیتی که در سایه همین حجاب پایشان فراهم شد در جامعه‌ای با حاکمیت ارزش‌های انقلابی و اسلامی بتوانند در تمامی عرصه‌ها ورود یابند و خوش بدرخشند زیرا دیگر محدودیت‌ها و انزوائی‌های دوران پیش از انقلاب بر جامعه حاکم نیست: زنان جامعه ایران حالا در عرصه‌های سیاست، فرهنگ و هنر و علم و دانش و فناوری و ورزشی توانسته‌اند به قله‌های پیشرفت برسند و این دستاوردی است که انقلاب برای زنان به ارمان آورده است.

را وارد می‌دانند. نمونه‌اش دکتر غلامرضا موحدیان قاضی بازنستسه دیوان عالی کشور، وکیل دادگستری که معتقد است «در لایحه تأمین امنیت زنان در برابر خشونت صرفاً وضعیت زن در خانواده دیده شده در صورتی که مصادیق متعدد خشونت که علیه بانوان و دختران در جامعه دیده می‌شود را پوشش نداده است. به عنوان مثال اگر خانم یا خانم‌هایی بدون همراه مرد از ساعت ۲۲،۲۳ به بعد تردد کنند مورد مزاحمت و آزار و اذیت قرار می‌گیرند.»

از نگاه این کارشناس در قوانین و مقررات کشور اگر شخصی به دیگری اهانت کند و یا دیگری را مورد ضرب و شتم قرار دهد به اندازه کافی برایش مجازات تعیین شده است که این موضوع شامل مصادیق برخورد مرد در خانواده هم هست لذا نیاز به تصویب مجازات دیگری به صورت مضاعف بر قوانین موجود نیست.»

به گفته وی همچنین در برخی موارد لایحه با فرهنگ جامعه فاصله دارد به عنوان مثال سؤال و جواب خیرخواهانه پسر یا مادری که رفغ خشونت‌های خانگی و اجتماعی داشته باشیم.

از نگاه سجادی اینکه گفته می‌شود این لایحه صدرصد اشکال دارد باید بگویند از این چند ماده، نیمی از آن مشکل دارد سپس از نظر حقوقدانان و اساتید و نیز نظر قضات دادرسا و کارشناسان حوزه خانواده‌ها استفاده شود تا مرحله اصلاح آن صورت گیرد.اینکه این لایحه به درد نمی‌خورد و باید آن را کنار گذاشت، فقط اعمال سلیقه است.

■ **لایحه‌ای که امنیت زنان در جامعه را تأمین نمی‌کند**

با وجود اظهارات سجادی در اعمال سلیقه قوه قضاییه برای رد لایحه تأمین امنیت زنان اما کارشناسان دیگری نیز به این لایحه ایراداتی

۱۸ سال (شمسی) می‌شود. این لایحه، خشونت را جرم دانسته و

در آن آمده است هیچ‌کس حق ندارد در روابط خانوادگی، اماکن خصوصی، عمومی یا دولتی به قصد آسیب علیه زنان اقدام کند و در صورت ارتکاب، مطابق احکام این لایحه مجازات می‌شود. لایحه تأمین امنیت زنان علیه خشونت ۱۱ ماده است در اختیار رئیس قوه قضاییه قرار دارد.

■ **لایحه‌ای پر از اشکال**

«لایحه تأمین امنیت زنان در قوه قضاییه بررسی شده است اما به نظر می‌رسد این لایحه مشکلات زیادی دارد که ممکن است حتی قابل اصلاح نباشد و شاید لازم باشد لایحه دیگری در دولت یا قوه قضاییه در این زمینه تهیه شود.» این آخرین خبر از سرنوشت لایحه‌ای است که مدت‌ها قبل از سوی دولت به مجلس فرستاده شد تا مبنایی برای ایجاد امنیت زنان در خانه و خانواده شود. در برابر این گفته حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای سخنگوی قوه قضاییه اما مشاور حقوق شهروندی معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری می‌گوید: لایحه تأمین امنیت زنان در برابر خشونت می‌تواند با نظرات کارشناسی اساتید، حقوقدانان و قضات عالی رتبه کشور مورد اصلاح قرار گیرد.

حسب‌های سنگین و مجازات‌های سنگین برای برخی جرائم علیه زنان لایحه تأمین امنیت زنان مهم‌ترین مانع برای تصویب آن شده است. چنانچه بنا به تأکید کارشناسان مخالف این لایحه، برخی از این مجازات‌ها نه فقط نمی‌تواند بنیاد خانواده را استحکام بخشد، چه بسا ممکن است هدف را برعکس کند یعنی بنیاد خانواده را

خانه و خانواده مطمئن‌ترین مأمِن و پناهگاه برای هر زنی است، هر چند گاهی وقت‌ها ممکن است این مأمِن هم چندان امن نباشد و هستند زنانی که دچار خشونت‌های خانگی می‌شوند اما خشونت‌های خانگی علیه زنان با خشونت‌های اجتماعی علیه آنان قابل مقایسه نیست. با تمام اینها اما دولت و معاونت زنان و خانواده رئیس‌جمهور تأمین امنیت زنان در چهار دیواری خانه را اولویت قرار دادند و لایحه تأمین امنیت زنان حالا مدت‌هاست در دست بررسی است اما آنچه تاکنون مانع نهایی شدن این لایحه شده تقابلی است که برخی بنده‌های آن با قوانین جاری کشور دارد و جرم‌انگاری وسیع این لایحه که می‌تواند چالش‌های تازه‌ای را هم به دستگاه قضا و هم به ساختار خانواده تحمیل کند و در نهایت هم هدف تأمین امنیت و ممانعت از خشونت تحقق نیابد. لایحه تأمین امنیت زنان در پنج فصل و ۹۲ ماده به منظور جلوگیری از بی‌عدالتی در روابط خانوادگی و ضرورت رفع ظلم و تعدی نسبت به زنان در عرصه خانواده و همچنین پیش‌بینی راهکارها و ضمانت‌های قانونی و جلوگیری از افراط و تفریط در این زمینه از طرف مرکز امور زنان و خانواده دولت یازدهم تدوین شده بود.

در این لایحه، اهدافی شامل تقویت و تحکیم نظام خانواده، تأمین حقوق زنان به منظور حفظ کرامت و امنیت آنان، پیشگیری از خشونت علیه زنان، حمایت از زنان قربانی یا در معرض خشونت تأمین و افزایش سطح آگاهی جامعه در خصوص خشونت علیه زنان و راه‌های مقابله با آن آمده است. حمایت‌های مندرج در این لایحه شامل زنان بالاتر از ۱۸ سال (شمسی) تمام و زنان متأهل کمتر از

سال (شمسی) تمام و زنان متأهل کمتر از

## تعالی جایگاه «زن» در سینمای انقلاب

زنان در سینمای بعد از انقلاب در نقش‌های کلیدی نقش آفرینی می‌کنند

سازندگان فیلم‌های ایرانی از زنان نیمه‌عربان با رقص و آواز و اغواگری

به عنوان ابزاری برای تجارت سینمایی خودشان بهره می‌گرفتند.

در شرایط ابتدال فیلمفارسی، بازیگران زن با باید بازیگر فیلم‌های کاباره‌ای می‌شدند و یا مجالی برای حضور در سینما نداشتند. از همین رو سینمای ایران با سینمای حرفه‌ای دنیا فاصله زیادی داشت و در دهه ۳۰ گاهی زنانی به کار فراخوانده می‌شدند که نه استعداد بازیگری داشتند و نه شهرت خوانندگی و بازیگری. آنان به‌سرعت می‌امند و فراموش می‌شدند.

نقش زن‌های فریب‌خورده، خواننده، قاصص، روسپی، معشوقه، درد و آدمکش اغلب تنها نقش‌هایی بود که در سینمای قبل از انقلاب به زنان سپرده می‌شد.

دوران پس از انقلاب اما با حاکم شدن نظام ارزشی در جامعه فضای مناسبی جهت حضور و نقش آفرینی حرفه‌ای زنان در سینما فراهم شد. سینمای بعد از انقلاب سینمایی حرفه‌ای است که امروز توانسته در تمام دنیا برای خودش جایگاهی باز کند و حرف‌هایی برای گفتن داشته باشد. زنان نیز در این دوران خوش درخشیده‌اند. رخشان



بنی‌اعتماد، پوران درخشنده، تهیمنه میلانی، موناژ ندی حقیقی، انسیه شاه‌حسینی و… زنانی هستند که سیمرخ را در دست گرفته‌اند و سعی و هفتمین جشنواره فیلم فجر با حضور هفت فیلمساز، دو تهیه‌کننده و سه داور زن در ۴۰ سالگی انقلاب بلوغ و ارتقای زنان در سینمای حرفه‌ای کشور را به تمام دنیا نشان می‌دهد.سینمایی که زن در آن یک کالای بی‌ارزش نیست بلکه نقشی تعیین‌کننده دارد.

■ **ارزش زنان در سینمای بعد از انقلاب**

شاید بتوان یکی از اتفاقات مثبت انقلاب ایران در سال ۵۷ در حوزه سینما را تغییر نقش اغواگرانه زن جلوسوی دوربین و حتی گاهی ارجحیت و ارزش قائل شدن برای حضور آنها دانست.

محتوای آثار کارگردانان زنی هم که در دهه ۶۰ وارد سینمای ایران شدند، اگرچه به طورخاص درباره زنان نبود اما خانواده نقش اساسی در کار آنها داشت و نشان داد خانواده بدون حضور زن، بی‌معنی است.

از دهه ۷۰ به بعد به موازات پرفعالیت‌تر شدن زنان فیلمساز، آثاری هم درباره خود زن ساخته شد و سینمای زنانه تبدیل به بستری

فیلم «بولایی‌ها» ادامه یافت.
سینمای قبل از انقلاب هیچ‌گاه نتوانست به بازنمایی تصویری درست از زنان بپردازد. زن در سینمای قبل از انقلاب ابرار بود و تصمیمی برای فروش و سود فیلم، البته کارگردانانی هم بودند که قصد بیان مسائل و مشکلات زنان با نمایش فداکاری‌ها و تلاش‌های آنان را داشتند اما فضای آن دوران به گونه‌ای بود که ساخت این فیلم‌ها ممکن نبود یا اگر فیلمی با این مضمون ساخته می‌شد توان تصویرسازی درست نداشت. سینمای بعد از انقلاب اما به زنان هویت و تشخیص داد. سینمای بعد از انقلاب در تلاش بوده تا تصویری درست و مطابق واقع از رویدادهای جاری جامعه ارائه دهد. طبیعا زنان که نصف جامعه و رکن اساسی خانواده هستند در مرکز توجه کارگردانان و هنرمندان بوده‌اند. آنها در تلاش بوده‌اند تا مسائل زنان را آن چنان که خودشان- زنان- با آن روبه‌رو هستند به تصویر بکشند تا حداقل بتوانند مسائل را به‌درستی طرح کنند و اولین گام حل مسئله به‌خوبی برداشته شود.

### دراوجه مریم زاهدی

### دستاوردهای انقلاب برای زنان

کشف حجاب زنان به عنوان بخشی از فرآیند مدرن‌سازی ایران تنها به‌اصطلاح دستاوردی است که تاریخ برای حوزه زنان در کارنامه پهلوی اول ثبت کرده است. اگر سری به متون تاریخی بزنید و حضور و مشارکت زنان در برهه‌های گوناگون و بزرگه‌ها را مورد واکاوی قرار دهید با حضور و مشارکت برنگ‌تر زنان مواجه خواهید شد اما در واقعه کشف حجاب زنان ایرانی که همگی مؤمن و معتقد به اصول و پایبند به ارزش‌های اسلامی بودند ناگزیر شدند در انتخاب میان حجاب و مشارکت‌های اجتماعی گزینه نخست را برگزینند و این مسئله موجب شد بسیاری از زنان از تحصیل، مشارکت‌های اجتماعی و پیشرفت‌های فرهنگی و اقتصادی جا بمانند. دوره پهلوی اما تغییرات فرهنگی اجتماعی به شکلی نرم‌تر از پهلوی اول ادامه یافت. محمدرضا پهلوی نه با باتوم که با تلویزیون و سینما و راه‌اندازی دیسکو و کازینو به شکلی نرم و خزنده کوشید تا سبک زندگی مردم کشورمان را غربی‌سازی کند و با این شیوه تازه تا حدودی توانست موفق عمل کند.

با تمام اینها حاکمیت فضای دینی بر جامعه ایران و فضای غیر مذهبی نامن و گاه غیراخلاقی در دوران پهلوی دوم مانعی جدی بر سر راه حضور و مشارکت زنان در عرصه‌های گوناگون اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی بود. فعالیت زنان در حوزه‌های فرهنگ و هنر به معنای ذوب شدن آنها در فضایی لایالی بود و سینمای ایران از ژانر سینمایی فیلمفارسی به گونه‌ای بود که هیچ‌گاه هیچ دختری از یک خانواده متشخص و مذهبی نمی‌توانست به این عرصه ورود کند و استعدادهایش را به منصفه ظهور برساند. اوضاع حاکم بر جامعه و تضادهامیان فضای ارزشی مردم و فضای ارزشی حکومت به گونه‌ای بود که اغلب خانواده‌ها حتی برای ادامه تحصیل دخترانشان در دانشگاه‌انگران بودند و نمی‌توانستند به فضاهای دانشگاهی اعتماد کنند. این مسئله مانعی جدی بر سر راه ارتقای جایگاه اجتماعی زنان محسوب می‌شد. با این همه شاه برای رسیدن به تجدد ناگزیر بود تا شکل فرمایشی هم که شده مشارکت زنان را در جامعه رقم بزند.

نقش زنان جامعه ایرانی در دوره پهلوی دوم را می‌توان طی دو مقطع زمانی بررسی کرد: مقطع زمانی نخست از زمان برکناری رضاشاه آغاز و تا سقوط دولت ملی مصدق به طول می‌انجامد. در این دوران با توجه به خلأقدرت و فضای سیاسی حاکم بر جامعه ایران، گروه‌های زنان تجدیدحیاتی هر چند محدود را تجربه می‌کنند اما در مقطع زمانی دوم که از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ آغاز شده و تا پیروزی انقلاب اسلامی امتداد می‌یابد، پهلوی دوم که در پی استحکام پایه‌های قدرت و سلطنت خود است، ضمن نابودی و سرکوب مخالفان، به متمرکزسازی فعالیت زنان می‌پردازد اما به‌رغم تمامی اقدامات محمدرضا شاه در دولتی ساختن فعالیت‌های زنان، شاهد مشارکت فعال آنها در به ثمر رساندن و پیروزی انقلاب اسلامی به ویژه در سال‌های پایانی این دوره هستیم. در سال ۱۳۳۸ «شورای عالی جمعیت‌های زنان» زیر نظر اشرف پهلوی با عضویت ۱۷ سازمان مختلف زنان پدید آمد اما به‌رغم فعالیت‌های این شورا به ویژه تلاش آن در آمادسازی فضای سیاسی برای پذیرش حق رأی برای زنان، این سازمان نتوانست تمرکز و وحدت عمل را در بین اعضای خود به وجود آورد و نهایتاً به دلیل کم‌تحرکی منحل شد و به جای آن سازمان وسیع‌تر و منسجم‌تر «زان ایران» به دستور اشرف در سال ۱۳۴۵ موجودیت یافت و طی دهه بعد بسیار گسترده شد. تشکیلات درباری زنان در دوران پهلوی هم می‌توانست نمایشی از مشارکت زنان را در راستای پروژه تجدد محمدرضا شاه به نمایش بگذارد و هم خواسته‌ها و فعالیت‌های زنان را در محدوده خواسته‌ها و انتظارات حکومت مدیریت کند اما ماجرا آن طور که شاه دلش می‌خواست پیش نرفت و در کنار تشکیلات درباری زنان، حرکت‌های خودجوش مردمی زنان در دوران انقلاب را شاهد بودیم.به گونه‌ای که زنان در کنار مردان و گاهی جلوتر از آنان در خط مقدم مبارزه باسیاست‌های پهلوی قرار گرفتند. بی شک نقش زنان در به ثمر رسیدن انقلاب اگر از نقش مردان برنگ‌تر نباشد کم‌رنگ‌تر نیست. انقلابی که به زنان تفصیح داد و موجب شد این بار زنان جامعه ایرانی با حفظ حجاب و در نتیجه آرامش و امنیتی که در سایه همین حجاب پایشان فراهم شد در جامعه‌ای با حاکمیت ارزش‌های انقلابی و اسلامی بتوانند در تمامی عرصه‌ها ورود یابند و خوش بدرخشند زیرا دیگر محدودیت‌ها و انزوائی‌های دوران پیش از انقلاب بر جامعه حاکم نیست: زنان جامعه ایران حالا در عرصه‌های سیاست، فرهنگ و هنر و علم و دانش و فناوری و ورزشی توانسته‌اند به قله‌های پیشرفت برسند و این دستاوردی است که انقلاب برای زنان به ارمان آورده است.

### نگاره متین زاهدی



### بهباه‌ای از جنس دیوارنگاره

دیوارنگاره‌های میدان ولیعصر (عج) و نادیده گرفته شدن زنان حکایت‌های این روزهای انتقادات نمایندگان مجلس و برخی چهره‌های حوزه زنان کشور است. تااینجای کار حرف نادرستی مطرح نشده است. به هر حال نیمی از جامعه را زنان تشکیل می‌دهند و اگر قهرمانی‌ای هست، اگر موفقیتی هست و اگر پیشرفتی در کشور حاصل شده دستاوردی است که مردان وزنان در کنار همدیگر به دست آورده‌اند اما در دیوارنگاره‌های میدان ولیعصر با جای زنان خالی است یا حضوری کم‌رنگ دارند.

هر چند شاید بتوان تفسیرهای دیگری هم از این ماجرا داشت. اینکه در پیشینه ذهنی و فرهنگی ایرانی «پشت هر مرد موفق زنی است که او را حمایت و پشتیبانی کرده است» و نمایش حضور زنان به کشیدن تصویر از آنان نیست بلکه آمار و ارقام و حضور زنان در تمام عرصه‌ها خود زبان گویای واقعیت است. تمام اینها را اما اگر کنار بگذاریم به واقعیت دیگری می‌رسیم؛ اینکه یک دیوارنگاره در یکی از میداین شهر تهران و حضور یا عدم حضور زنان در آن تا چه اندازه مهم و تعیین‌کننده است و چه تأثیری در سرنوشت زنان خواهد داشت؟

ماجرای حضور زنان در دیوارنگاره میدان ولیعصر حتی از موضوعاتی نظیر حضور زنان در ورزشگاه‌ها سطح پایین‌تر است اما چنین موضوع سطح پایینی اظهارنظر و موضع‌گیری چهره‌هایی نظیر شهیندخت مولاوردی مشاور رئیس‌جمهور در حقوق شهروندی و طلیبه سیاوشی نماینده مجلس را در بی داشته است.

این اظهارنظرها را وقتی در کنار سکوت و انفعال در موضوعات مهم‌تر جامعه بگذاریم بهتر دستمان می‌آید برجسته‌سازی این موضوعات نازل و سطح پایین تا چه اندازه می‌تواند بر موضوعات اصلی و مهم حوزه زنان و خانواده همچون اجرای اسناد بالادستی نظیر سیاست‌های کلی جمعیت یا سیاست‌های خانواده‌سایه بیندازد و روی زمین ماندن و اجرایی نشدن آنها را از نظرها پنهان کند. تئویت‌های متعدد، مصاحبه‌ها و اظهارنظرها درباره دیوارنگاره میدان ولیعصر زمانی به اوج خود رسید که معاونت زنان و خانواده و همچنین کارکسیون زنان مجلس هنوز هیچ موعدهی بر این دستگیری غیرقانونی مرضیه هاشمی خبرنگار شبکه پرس‌تی‌وی در امریکا نداشته‌اند و موضع دی‌هنگام آنها نشان داد زنان اگر در حیطه سیاست‌های آنان بگنجد اهمیت می‌یابند.